

Strategic Action of Pahlavi II in the Industrialization of Iran

 Mahmoud Sarkhanzadeh ^{1*}, Hamid Basiratmanesh ²

^{*1} Ph.D. Candidate in History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. sarkhanmahmod@gmail.com

² Assistant Professor, Department of History of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. basirat1341@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The purpose of this research is to examine the strategic action of the second Pahlavi dynasty in the industrialization of Iran. This research is written in a historical and descriptive-analytical manner, using documents from the Islamic Revolution Documents Center, balance sheets of the Central Bank, library resources, oral history, and published interviews with officials of the second Pahlavi dynasty. The research findings show that the government's hidden strategic action has been to align with technocrat managers in the industrialization project. Also, the Pahlavi dynasty, in the form of overt strategic action, while interfering and obstructing the work of technocrat managers, disregarding the views of the Program Organization in the industrialization of the country, and implementing the industrialization directives such as large and capital-intensive projects and workers' participation in the profits of factories, has sought to increase the government's popular acceptance. The actions of the second Pahlavi dynasty, focusing on hidden and overt strategies while reducing the role of technocratic managers and economic planners, paved the way for the weakening of established industries, monopolization in industrialization through the Pahlavi Foundation and court affiliates, and the narrowing of the circle of private sector participation in the industrialization process, thus overshadowing sustainable and coherent industrial development.
Received: 26 July 2025	
Accepted: 16 December 2025	
Keywords: Industrial development, Pahlavi II, rent-seeking, monopoly.	

Cite this article: Sarkhanzadeh, Mahmoud; Basiratmanesh, Hamid (2025), *Strategic Action of Pahlavi II in the Industrialization of Iran*, History of Industry, Vol 1, No 2, Winter, 2025, pages: 143-166.

DOI: 10.30479/hi.2026.22433.1020



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mahmoud Sarkhanzadeh

Address: Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran

E-mail: . sarkhanmahmod@gmail.com

کنش راهبردی پهلوی دوم در صنعتی‌سازی ایران

محمود سرخانزاده^{۱*}، حمید بصیرت‌منش^۲

^{۱*} دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. sarkhanmahmod@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. basirat1341@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	مستلّه پژوهش حاضر، بررسی کنش راهبردی پهلوی دوم در صنعتی‌سازی ایران است. این پژوهش به روش تاریخی و شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ترازنامه‌های بانک مرکزی، منابع کتابخانه‌ای، تاریخ شفاهی و مصاحبه‌های منتشر شده کارگزاران حکومت پهلوی دوم نوشته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کنش راهبردی پنهان حکومت بر همسویی با مدیران تکنوکرات در پروژه صنعتی‌سازی متمرکز بوده است؛ همچنین حکومت پهلوی در قالب کنش راهبردی آشکار، ضمن مداخله و ممانعت در کار مدیران تکنوکرات، بی‌توجهی به نظرات سازمان برنامه در صنعتی‌سازی کشور و اجرای دستوری صنعتی‌سازی، نظیر طرح‌های بزرگ و سرمایه‌بر و سهم‌شدن کارگران در سود کارخانه‌ها در پی افزایش مقبولیت مردمی حکومت برآمده است. اقدامات پهلوی دوم با تمرکز بر راهبردهای پنهان و آشکار، ضمن کاهش نقش مدیران تکنوکرات و برنامه‌ریزان اقتصادی، زمینه‌ساز تضعیف صنایع ایجاد شده، انحصارگرایی در صنعتی‌سازی از طریق بنیاد پهلوی و وابستگان به دربار و تنگ شدن حلقه مشارکت بخش خصوصی در فرایند صنعتی‌سازی شده بود و توسعه صنعتی، پهلوی دوم، رانت‌خواری، انحصارگرایی.
مقاله پژوهشی	
دریافت:	
۱۴۰۴/۰۵/۰۴	
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۶/۲۵	
واژگان کلیدی:	توسعه صنعتی، پهلوی دوم، رانت‌خواری، انحصارگرایی.

استناد: سرخانزاده، محمود؛ بصیرت‌منش، حمید (۱۴۰۴)، کنش راهبردی پهلوی دوم در صنعتی‌سازی ایران، تاریخ صنعت، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۴، صص ۱۶۶-۱۴۳.

DOI: 10.30479/hi.2026.22433.1020



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

از دهه ۴۰ شمسی، حکومت پهلوی دوم تلاش کرد با بهره‌گیری از درآمدهای نفتی، پروژه گسترده‌ای از صنعتی‌سازی را طراحی و اجرا کند و راهبردهایی را نیز در دستور کار قرار داد. حکومت، این سیاست در ظاهر اقتصادی را در غیاب نظام پاسخگویی، مشارکت اجتماعی و عدالت اقتصادی، نه به‌عنوان راهبردی ملی، بلکه به‌مثابه ابزاری برای کسب مقبولیت مردمی و جایگزین مشارکت مردمی و خواست عمومی جامعه طراحی و اجرا کرد و در واقع، ابزاری در خدمت هدف سیاسی شاه بود. به همین جهت، نحوه مواجهه حاکمیت سیاسی در پروژه صنعتی‌سازی به‌عنوان نماد نوسازی و رکن اصلی تغییر در ساختار اقتصادی کشور، مهم‌ترین مسئله این پژوهش است و آسیب‌شناسی اقدامات انجام‌شده حکومت پهلوی دوم می‌تواند علل تضعیف صنعتی‌سازی و به تبع آن، بخش خصوصی و انحصارگرایی در صنعت را در فرایند صنعتی‌سازی بازنمایی کند. پژوهش حاضر فرضیه‌آزمای نیست و بر سؤال زیر استوار است. اقدامات و ابتکارات پهلوی دوم در قالب کنش راهبردی آشکار و پنهان در صنعتی‌سازی چه بوده است؟

در خصوص پیشینه پژوهش با موضوع توسعه صنعتی، آنچه جلب توجه می‌کند، تنوع و تعدد منابع از زوایای گوناگون است. این منابع را در پنج گروه می‌توان دسته‌بندی کرد. گروه اول به دوره‌بندی تاریخ تحولات صنعتی در ایران می‌پردازند. سعید رهنما در مقاله «تحول صد ساله صنعت در ایران» و محمدحسین شریف‌زادگان در مقاله «بررسی تحولات صنعت و توسعه صنعتی در ایران» به بررسی سیر تاریخی توسعه صنعت در کشور پرداخته‌اند که محدود به دوره پهلوی دوم نیست (رهنما: ۱۳۹۹، ۲-۳۸ و شریف‌زادگان: ۱۳۹۲، ۱۶-۲۱).

گروه دوم، تحولات صنعتی را از منظر برنامه‌ریزی عمرانی و صنعتی که اولین بار در دوره پهلوی دوم انجام شد، مورد توجه قرار داده‌اند. امجد (۱۳۸۴) ناکامی برنامه‌های توسعه در ایران را از جهت دستاوردهای مادی، صنعتی، تولید و اشتغال بررسی کرده است. صادقی (۱۳۸۷)، نیلی (۱۳۸۷)، مؤمنی (۱۳۹۴) و غنی‌نژاد (۱۳۹۶)، ضمن بررسی نقش دولت در توسعه اقتصادی ایران، بر لزوم اتخاذ سیاست‌های مشخص برای دستیابی به توسعه اقتصادی تأکید داشته‌اند. طالب (۱۳۸۵)، شهوند (۱۳۹۸)، کسرائی و اصغری (۱۴۰۲) نیز تحولات بخش صنعت را در کنار سایر بخش‌ها، در ذیل فراز و فرود برنامه‌های بلندمدت توسعه بررسی کرده‌اند.

گروه سوم، بخش صنعت را یکی از بخش‌های مهم نظام اقتصادی دانسته و مورد بررسی قرار داده‌اند. نصر (۱۳۸۲)، توسعه کمی در صنایع ایران و ترابی فارسانی و همکاران (۱۳۹۶)، توسعه کمی در صنایع ایران را با بهره‌گیری از دانش فنی کشور صنعتی آلمان بررسی کرده‌اند. شمسی‌نی غیاثوند (۱۳۸۲) ضمن بررسی سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی دوم در زمینه صنعت و رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های ۱۳۴۱ - ۱۳۴۷، به ایجاد بوروکراسی جدید مورد حمایت شاه، دلایل تشکیل وزارت اقتصاد و عملکرد آن در رشد و توسعه صنعتی پرداخته است. بیگدلی و سجادی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به شکل کاملاً مختصر به جنبه ظاهری رفتار شاه، یعنی حسادت نسبت به اطرافیان خود در صورت محبوبیت در فضای عمومی کشور و تقویت سلطنت اشاره داشته‌اند؛ اما بحث اصلی آن‌ها بررسی مشکلات ناشی از سوء مدیریت در توسعه صنعتی ایران است. این گروه در کل به توسعه کمی صنایع به صورت درهم‌تنیده با سیاست‌های کلی اقتصادی حکومت پرداخته‌اند.

گروه چهارم، پرواند آبراهامیان (۱۳۷۷)، کدی (۱۳۶۹)، جان فوران (۱۳۷۷)، پیتز آوری و همکاران (۱۳۸۸)، محمدعلی کاتوزیان (۱۳۷۴)، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و علی دینی ترکمانی (۱۳۷۱)، فرد هالیدی (۱۳۵۸) و شقایق فتحعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، به نقش درآمدهای نفتی در تحولات اقتصادی پرداخته‌اند و در ذیل این تحولات، توسعه صنعتی در ایران را نیز بررسی کرده‌اند. گروه پنجم، خاطرات و مصاحبه‌های منتشر شده کارگزاران اقتصادی پهلوی دوم را بررسی می‌کنند. ابتهاج (۱۳۷۱)، نیازمند (۱۳۹۴) و عالیخانی (۱۴۰۱) نیز بحث اصلی‌شان وجود سوء مدیریت در برنامه‌ریزی و توسعه صنعتی ایران در دهه ۴۰ شمسی است و به جنبه ظاهری رفتار شاه، یعنی حسادت نسبت به اطرافیان خود، تقویت نهاد سلطنت و کاهش محبوبیت شاه به علت حمایت آمریکا از وی، اشاراتی داشته‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که صنعتی‌سازی ایران را بر اساس راهبردهای پنهان و آشکار حکومت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. این پژوهش به روش تاریخی و شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی^۱، ترازنامه‌های بانک مرکزی، منابع کتابخانه‌ای، تاریخ شفاهی و مصاحبه‌های منتشر شده کارگزاران حکومت پهلوی دوم، نوشته شده است.

۱. از سرواژه «مراسان» برای ارجاع به اسناد مرکز اسناد انقلاب اسلامی در داخل متن استفاده شده است.

۲. توسعه صنعتی در دهه ۴۰ شمسی

سیاست صنعتی سازی ایران از دهه ۴۰ شمسی، سرمایه گذاری در صنایع تولید کالاهای مصرفی مانند لباس، مواد غذایی، نوشابه، رادیو و صنایع مادر و واسطه‌ای، به ویژه نفت، گاز، زغال سنگ، مس، فولاد، پتروشیمی، آلومینیوم، ابزارهای ماشینی و وسایل و لوازم الکتریکی بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۸؛ هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۳۷)؛ طرح‌هایی که زاینده ذهن شاه بودند و بدون اینکه مشورتی با سازمان یا وزارتخانه مرتبط و اجراکننده مربوط به آن طرح انجام شود، اجرایشان به زبردست‌ها واگذار شد. شاه هم تمایلی نداشت که درمورد این فکرها و ایده‌هایش بحثی شود (مجیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۵۸)؛ مانند طرح احداث ذوب آهن که از زمان برنامه دوم توسعه (۱۳۳۴-۱۳۴۱) مطرح بود و سازمان برنامه با انجام این کار مخالف بود. فرمانفرمائی‌ان، رئیس سازمان برنامه ایران (۱۳۴۹-۱۳۵۱)، در خصوص علل مخالفت سازمان برنامه با احداث ذوب آهن در ایران گفت: «آهن تولید داخل قابل رقابت در سطح جهانی نبود و آهن وارداتی را می شد ارزان تر خریداری کرد. احداث ذوب آهن هم هزینه بر بود و هم مکانی که برای احداث آن پیش بینی شده بود، مناسب برای احداث آن نبود. در ایران محلی که آب، سنگ آهن و زغال سنگ یا گاز به اندازه کافی و نزدیک به هم و نزدیک به بازار مصرف باشد، وجود نداشت. در نتیجه، تولید آهن به قیمت ارزان و به اندازه کافی در ایران ممکن نبود. اصفهان هم برای احداث، بهترین محل نبود. طرح احداث ذوب آهن را صندوق بین المللی پول هم رد کرده بود و حاضر به پرداخت وام برای احداث آن نبود؛ اما خارج از نظر سازمان برنامه و با تأیید شاه، قرارداد احداث آن با روس ها بسته شد» (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۸۰: ۲۳۵). احداث ذوب آهن می توانست به کسب مقبولیت مردمی شاه کمک کند و پاسخی به انتقادات مخالفان نسبت به حکومت وی باشد.

بخش خصوصی داخلی صرفاً در صنایع غذایی، منسوجات، کفش، شیشه، ظروف چینی، صنایع چوب و کاغذ فعال بود. سرمایه گذاران خارجی نیز نقش قابل توجهی در صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنعت نفت و گاز، ماشین سازی، حمل و نقل و محصولات برقی داشتند؛ اما بیشتر شرکت های خارجی که در صنعت نفت و گاز ایران کار می کردند، پیمانکار شرکت ملی نفت ایران بودند که متعلق به دولت بود و مالکیت این صنایع جدید نیز به حکومت تعلق داشت (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۲۳۹).

در واقع، اجرای برنامه‌های دستوری پیش از آنکه در راستای صنعتی‌سازی برنامه‌محور و برآمده از تفکرات مدیران صنعتی باشد، در خدمت هدف سیاسی شاه بود. با وجود این، اجرای همین هدف نیازمند بازوی اجرایی بود؛ همین‌طور به موازات اجرای این طرح‌ها، برنامه سوم نیز در دستور کار قرار داشت. راهکار شاه برای پیشبرد مجموع این برنامه‌ها، میدان دادن به نسل جدیدی از تکنوکرات‌ها و مدیران صنعتی جوان بود که سابقه سیاسی و اجرایی طولانی در کشور نداشتند؛ اما دانش علمی و فنی آن‌ها می‌توانست راهگشا باشد (بازرگان: ۱۳۷۵، ج ۴۵۷/۱).

حضور این نیروهای تکنوکرات در راستای تحقق اهداف سیاسی حاکمیت بود و همچنین دخالت فزاینده شاه در امر مدیریت اقتصادی و صنعتی، اثرات نامطلوبی در پی داشت؛ اما اعتماد و واگذاری اختیارات مدیریتی به تکنوکرات‌ها در دهه ۴۰ شمسی موجب شکل‌گیری مجموعه‌ای منسجم از متخصصان و مدیران اقتصادی و صنعتی و کاهش مشکلات مدیریتی در صنعت شد؛ به‌گونه‌ای که تحت سرپرستی و هدایت آن‌ها، نهادهایی جدید و تخصصی در مدیریت صنایع، مانند سازمان مدیریت صنعتی و سازمان نوسازی و گسترش صنایع، تأسیس شدند (نیازمند، ۱۳۹۴: ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹ و ۲۰۳).

به‌علاوه، با حمایت از صنایع داخلی، ایجاد و تقویت بخش خصوصی، کاهش واردات و افزایش صادرات محصولات صنعتی (عالیخانی: ۱۳۹۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۷۲، ۱۷۳ و ۱۷۸)، تغییرات چشمگیری در بخش‌های مختلف صنعتی پدید آمد. در دهه ۴۰ شمسی، میزان سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در این بخش از ۶۵ میلیارد ریال در برنامه سوم به ۳۰۰ میلیارد ریال در برنامه چهارم رسید. به دنبال این سرمایه‌گذاری‌ها، ارزش افزوده داخلی صنایع مختلف از ۳۶۱/۳۸ به ۶۰۰/۶۶ میلیارد ریال در برنامه سوم و به ۱۲۲/۷۴۰ میلیارد ریال در برنامه چهارم افزایش یافت (سوداگر: ۱۳۷۸، ۴۴۰-۴۵۵).

با رونق بخش خصوصی توسط تکنوکرات‌ها، به‌تدریج پای درباریان و عناصر وابسته به آن‌ها به حوزه صنایع باز و موجب تمایل آن‌ها به سهم شدن در منافع حاصل از این بخش از طریق دریافت رانت، اعتبار، پورسانت و تأسیس مؤسسات صنعتی شد؛ اما ممانعت مدیران تکنوکرات با این درخواست‌ها به موج نارضایتی مخرب علیه خودشان مبدل (نیازمند، ۱۳۹۴: ۱۵۲؛ عالیخانی، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۲، عالیخانی، ۱۳۹۳: ۳۱۹-۳۲۰) و حتی منجر به حذف برخی

چهره‌های سرشناس اقتصادی مانند عالیخانی از وزارت اقتصاد شد (عالیخانی، ۱۴۰۱: ۲۴۵). مجیدی، رئیس سازمان برنامه، رانت و فساد اقتصادی را اینطور برای شاه تشریح کرد: «عده‌ای که نزدیک دولت هستند، نزدیک مقامات دولتی هستند، نزدیک دربار هستند، نزدیک اطراف خانواده سلطنتی هستند، این‌ها بهره‌گیری‌هایی در کار و فعالیتشان می‌کنند که منطقی نیست. حتی برای شاه مثال زدم قراردادی که امضا می‌شود، طرحی که اجرا می‌شود، بین ۵ تا ۱۰ درصد، بعضی مواقع ممکن است از ۱۰ درصد هم بیشتر گیر بابایی بیاید که این کار را راه انداخته یا واسطه بوده یا دلال این کار بوده است که این صحیح نیست...» (مجیدی: ۱۹۸۵، ۱۷۴).

نمونه بارز فعالیت‌های صنعتی از جانب دربار، فعالیت‌های بنیاد پهلوی بود که با تحت تملک قرار دادن بخش زیادی از صنایع جدید و سوءاستفاده از موقعیت دربار، موجب انحصارگرایی، تضعیف بخش خصوصی و صنایع نوپا در کشور شده بود. دو نمونه از مهم‌ترین صنایعی که بنیاد در آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده بود، صنعت سیمان و قند و شکر بود. بنیاد پهلوی در عرصه معدن نیز حضور داشت و در شرکت معدنی سنگواره، ۴۰ درصد سهام را در اختیار داشت (سلیمان دارابی، ۱۳۸۴: ۲۲۹، ۲۳۰ و ۲۳۲) و تقریباً در تمامی شرکت‌ها و کارخانه‌های نساجی، اتومبیل‌سازی، صنایع ساختمانی، صنایع غذایی، واحدهای کشاورزی و دامداری و حتی در بخش خدمات و بازرگانی، مشارکت داشت (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۵). این وضعیت باعث ایجاد انحصار خاصی شده بود که بخش بزرگی از آن در دست خاندان پهلوی بود و با وجود دیگر انحصارات در اقتصاد توسط نزدیکان به دربار، دیگر کسی توان رقابت با آن‌ها را نداشت. اگر کسی هم قصد سرمایه‌گذاری داشت، در دام انحصارات خاندان سلطنتی و نزدیکان به دربار می‌افتاد و مضمحل می‌شد؛ زیرا اجازه کار پیدا نمی‌کرد. به نمونه‌ای از این موضوع اشاره می‌کنیم: «از آنجا که شاهپور غلامرضا کارخانه سیمان داشت، نمی‌گذاشت کسی اجازه تأسیس کارخانه سیمان بگیرد و در نتیجه، کمبود سیمان به مسئله‌ای جدی تبدیل شده بود» (دادگر، ۱۳۸۲: ۱۷).

از مظاهر صنعتی شدن ایران در دهه ۴۰ شمسی نیز ظهور گروه‌های صنعتی مانند بهشهر، شهریار، پارس، آریا، جنرال، کاوه و ملی بود. در طول این دهه، فعالیت ماشین‌سازی (تولید ابزار و تجهیزات صنعتی و معدنی) از نیم میلیارد ریال به ۲۵/۳ میلیارد ریال رسید. از لحاظ حجم ارزش تولید شده، تولید اتومبیل در مقام اول بود. تولید قند و شکر، روغن نباتی، نوشابه و

دخانیات، جایگاه و اهمیت خود را حفظ کرده بود. در انتهای دهه ۴۰ شمسی، حدود ۲۲۵ هزار مؤسسه کوچک و بزرگ صنعتی وجود داشت که در ۵۸۵۰ مؤسسه، تعداد شاغلان از ۱۰ نفر بیشتر و در ۳۴ کارخانه، تعداد شاغلان از ۱۰۰۰ نفر بیشتر بود. ۲۱ کارخانه نساجی و فرش، ۴ کارخانه مواد غذایی و ۴ کارخانه لوازم خانگی وجود داشت. ۱۲۶ کارخانه با سرمایه ثابت ۲۰۰ میلیون ریال فعال بودند و رشد تولیدات صنعتی به ۱۵ درصد رسیده بود (مجله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، سال سوم، دی ماه ۱۳۵۱، شماره ۳۲، ۵۲-۸۹).

در واقع، همسو شدن موقتی نیاز سیاسی حکومت با تفکرات نیروهای متخصص در امر مدیریت صنعتی کشور، کاهش تنش‌ها و چالش‌های داخلی، صنعتی‌سازی ایران را در مسیر شکوفایی قرار داد. حیات این مجموعه منسجم و کارآمد تا سال‌های پایانی دهه ۴۰ شمسی ادامه داشت و وضعیت اقتصادی کشور در اواخر دهه ۴۰ شمسی به کمک توان مدیریتی تکنوکرات‌ها و همراهی و حمایت شاه از آن‌ها، از رکود خارج شد و جریان صنعتی‌سازی کشور به رشد و شکوفایی اولیه رسید (عالیخانی: ۱۳۹۳، ۲۶۳-۲۶۴، نیازمند: ۱۳۹۴، ۱۳۰-۱۳۱).

۳. توسعه صنعتی در دهه ۵۰ شمسی

با اجرای طرح‌های صنعتی سرمایه‌بر در دهه ۵۰ شمسی، حکومت کل صنایع سنگین، صنعت نفت و زیرساخت‌های اقتصادی را در کنترل خود داشت (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۸۵). این شکوفایی در جریان صنعتی‌سازی، مطلوب محمدرضاشاه بود؛ زیرا شاه علاقه‌مند بود که پیشرفت‌های ایران در دوره سلطنتش، در خاطرات مردم باقی بماند (رامبد: ۱۹۸۳، ۷۴۶)؛ تا حدی که شاه حتی اقدامات انجام‌شده در ادوار گذشته را نادیده گرفت و تحولات در ایران را مختص اقدامات خود می‌دانست. در همین رابطه، علم به شاه می‌گوید: «دوره سلطنت اعلی‌حضرت فکر می‌کنم از درخشان‌ترین ادوار تاریخ کشور ما خواهد شد» و شاه در پاسخ می‌گوید: «...چون پادشاهان ما بیچاره‌ها تمام به جنگ و ستیز گذراندند و وقت عمران و آبادی نداشتند؛ حتی پدر من بیچاره فرصتی برای کار مثبت پیدا نکرد. اگرچه ارتش ایران را ساخت، اگرچه راه‌آهن را ساخت، اگرچه ایران را از پراکندگی نجات داد، اگرچه بانک ملی را بنیان نهاد، اگرچه راه‌ها ساخت... نه فرصت پیدا کرد و نه وسایل و پول داشت که بتواند کار ما را بکند» (علم، ۱۳۹۰: ج ۳، ۵۵-۵۶).

از طرفی، ایجاد انحصار در پروژه صنعتی سازی از دهه ۴۰ شمسی و با اجرای اصلاحات ارضی، شروع شده بود و مالکان بزرگی که در اصلاحات ارضی زمین های خود را از دست داده بودند، به سمت خرید سهام کارخانه های دولتی و سرمایه گذاری در طرح های کشت و صنعت سوق داده شدند. با فروش سهام کارخانه ها به آنها، به غیر از صنایع ملی و مادر، ۵۵ کارخانه به شرکت های سهامی تبدیل شدند و شرکت سهامی کارخانه های ایران تشکیل شد (پهلوی: ۱۳۷۲، ۱۸۳)؛ اما این طبقه جدید از صاحبان صنایع برای تأمین اعتبارات و فروش فرآورده های خود و مواجهه با رقبای خارجی به کمک همیشگی دولت وابسته بودند. حمایت دولت موجب ایجاد محوطه ای محصور و محدود از صنایع جدیدی شده بود که عملکرد آنها با بخش های دیگر اقتصاد و حتی سایر بخش های صنعتی پیوندی نداشت (آموزگار: ۱۳۷۶، ۳۱۶-۳۱۷).

در دهه ۵۰ شمسی، برخی از کارگزاران اقتصادی حکومت نیز با حمایت در راه اندازی صنایع بزرگ، خواسته یا ناخواسته با حکومت همراهی کردند؛ به طوری که در آغاز برنامه پنجم توسعه، سیاست جدیدی از سوی سازمان برنامه پیشنهاد شد که با کمک به بخش خصوصی و صنایع جدید، به خصوص تازه وارد ها در بخش صنعت و حکومت، کمک های مالی خود را با بهره ارزان تر فقط صرف اعتبارات صنایع کوچک یا در حال تأسیس کنند و حمایت از صاحبان صنایع بزرگ، مانند خیامی (خودروساز و مالک ایران ناسیونال) و لاجوردی (فعال در صنایع غذایی، نساجی، شوینده، ساختمان، بانکداری و بیمه) را که به قدر کافی رشد کرده بودند، به سمت صنایع کوچک جهت دهی کنند که با مخالفت انصاری، وزیر اقتصاد، روبه رو شد؛ زیرا قبول این سیاست، انحصار را از دست گروهی خاص خارج می کرد (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱: ۲۷۰). خردجو، رئیس بانک صنعتی - معدنی ایران، یکی از مشکلات صنعتی سازی در دهه ۵۰ شمسی را حمایت نکردن از صنایع کوچک می دانست (خردجو: ۱۹۸۴، ۶۸۱). ایجاد صنایع بزرگ توأم با انحصارگرایی در صنعتی سازی به ضرر صنایع نوپا و کوچک و بخش خصوصی تمام شد. بررسی ماهیت سرمایه گذاری های حکومت در دهه ۵۰ شمسی نیز نشان می دهد که همسو با کنش راهبردی حکومت، پایه گذاری و توسعه یافته اند. نکته مهم، محدودیت تمرکز شدید فعالیت این سرمایه گذاری ها در صنایع سرمایه بر است. ایجاد و رشد صنایع جدید در ایران، مانند صنایع شیمیایی و دارویی، وسایل و لوازم حمل و نقل، صنایع الکتریکی و الکترونیکی و پتروشیمی، با کمک شرکت های سرمایه گذار خارجی انجام شده بود؛ به طوری که در دهه ۵۰

شمسی، حجم سرمایه‌گذاری خارجی از ۱۳۳۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱، به ۶۳۴۸ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت (ترازنامه و گزارش‌های سالیانه بانک مرکزی، ۱۳۵۶ ش، ۲۰۳).

اگرچه از جنبه ظاهری، پیامد سرمایه‌گذاری‌های کلان حکومت در ایجاد صنایع جدید در ایران، تولید برخی کالا و مواد بود و از سال ۱۳۴۴-۱۳۵۴ تولید زغال‌سنگ از ۲۸۵ هزار تن به ۹۰۰ هزار تن، سنگ آهن از ۲۰۰۰ تن به ۹۰۰ هزار تن، ورق فولادی و آلومینیومی از ۲۹۰۰۰ تن به ۲۷۵ هزار تن، سیمان از ۱۴۱۷۰۰۰ تن به ۴۳۰۰۰۰۰ تن، پارچه از ۳۵۰ به ۵۲۳ میلیون متر، کاغذ از صفر به ۳۶۰۰۰ تن، اجاق‌گاز از ۸۷۰۰۰ به ۲۲۰۰۰۰ دستگاه، تلفن از صفر به ۱۸۶۰۰۰ دستگاه، تلویزیون از ۱۲۰۰۰ به ۳۱۰۰۰۰ دستگاه، تراکتور از ۱۰۰ به ۷۷۰۰ دستگاه و انواع خودرو از ۷۰۰۰ به ۱۰۹۰۰۰ دستگاه، افزایش یافت (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۹).

آمار تحولات صنعت در دهه ۵۰ شمسی با توجه به داده‌های فوق، شاید بازتاب دقیقی از بی‌ثمر بودن طرح‌های توسعه صنعتی نداشته باشد؛ زیرا در ظاهر امور صنعتی کشور به‌خوبی پیش رفت و تولیدات صنعتی تا حدی نیاز داخل را تأمین می‌کردند؛ به‌ویژه آنکه با ۴ برابر شدن درآمدهای نفتی از سال ۱۳۵۳، در برنامه پنجم توسعه تجدید نظر شد و حکومت توانایی آن را پیدا کرد که مجموع منابع پیش‌بینی‌شده برای اجرای این طرح‌ها را افزایش دهد (بانک مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارش‌های سالانه ۱۳۵۷ ش، ۱۳۰-۱۳۱؛ ۱۳۵۴، ۱۵۲؛ ۱۳۵۶، ۲۲۶). در این دهه، کنش راهبردی آشکار و استفاده از ابزار قدرت حکومت با نادیده گرفتن مدیران اقتصادی، اجرای طرح‌های بزرگ، بی‌توجهی به برنامه تنظیم‌شده پنجم توسعه و تجدید نظر در آن، با رشد درآمدهای نفتی همراه بود.

در برنامه عمرانی پنجم، توسعه صنایع کشور، به‌عنوان اقدامی اساسی در زمینه پی‌ریزی شالوده اقتصادی پیشرفته که گذر به مرحله تمدن بزرگ را با گام‌های محکم امکان‌پذیر کند، مورد توجه قرار گرفت. هدف‌گذاری کلی صنایع در برنامه پنجم به شرح زیر بود:

الف) ارزش تولیدات صنایع از ۵۰۹ میلیارد ریال در سال آخر برنامه چهارم با رشد متوسطی حدود ۱۷ درصد در سال به ۱۱۳۰ میلیارد ریال خواهد رسید.

ب) ارزش افزوده صنایع از ۱۶۴ میلیارد ریال در سال آخر برنامه چهارم با رشد متوسطی حدود ۲۰ درصد در سال به ۴۰۸ میلیارد ریال در سال آخر برنامه پنجم خواهد رسید.

پ) به منظور صرفه‌جویی در هزینه‌ها، تقلیل قیمت تمام‌شده و بهبود مرغوبیت کالاها، در نظام موجود بهره‌برداری، تجدید نظر خواهد گردید تا از حداکثر ظرفیت تولید واحدهای صنعتی استفاده شود.

ت) ایجاد صنایع تازه و توسعه صنایع موجود بر اساس مزیت نسبی پایه‌گذاری خواهد گردید.

ث) افزایش میزان صادرات کالاهای صنعتی به منظور توسعه بازار واحدهای صنعتی کشور و همچنین تأمین نیازهای ارزی در بلندمدت (مراسان، ش. بازیابی ۳۸۸۰۵، سند ۹۰).

بهره‌برداری از منابع عظیم گاز طبیعی و سنگ‌های معدنی فلزی که پایه‌های اساسی صنایع پتروشیمی و ذوب فلزات را تشکیل می‌دهد، از جمله خط‌مشی‌های اساسی برنامه عمرانی بود (مراسان، ش. بازیابی ۳۹۳۵۴، سند ۶۹). کل اعتبارات صنایع در این برنامه، ۳۶۸/۰۹ میلیارد ریال بود (مراسان، ش. بازیابی ۳۸۸۰۵، سند ۹۹). در این دوره، گرایش تولیدات صنعتی آمیزه‌ای از صنایع سنگین و اساسی در کنار تولیدات صنایع مصرفی بود و تولید صنایع سنگین کشور طی دوره ۱۳۵۲-۱۳۵۶ نسبت به کالاهای مصرفی با سرعت بیشتری افزایش یافت. پیش‌بینی‌ها حاکی از رساندن ظرفیت تولیدی کشور در تولید فولاد، متجاوز از ۱۰ میلیون تن، مس ۱۴۵ هزار تن، ماشین‌آلات صنعتی متجاوز از ۱۰۰ هزار تن، سیمان ۲۰ میلیون تن، تراکتور ۲۰ هزار دستگاه، واگن ۱ هزار دستگاه، کود شیمیایی حدود ۲ میلیون تن و ذوب آلومینیوم ۱۲۰ هزار تن بود (مراسان، ش. بازیابی ۳۹۳۵۴، سند ۷۰).

اجرای طرح‌های بزرگ سرمایه خارجی در ایران تا حدی پیش رفت که شاه در پاسخ به درخواست علم برای ملاقات با رئیس شرکتی آلمانی می‌گوید: «من دیگر به پروژه‌هایی که کمتر از ۵۰۰ میلیون دلار باشد، توجه نمی‌کنم. حالا که به این صورت برنامه پنجم را مورد تجدید نظر قرار می‌دهیم، با این همه پول و مقدرات، دیگر این پروژه‌های کوچک اهمیتی ندارد که من صاحب آن را بپذیرم» (علم: ۱۳۸۷، ج ۲/۸۲).

راهبرد حکومت در سرمایه‌گذاری‌های کلان و تملک صنایع جدید، برای حکومت سه پیامد منفی در پی داشت؛ اول، بخش زیادی از فعالیت‌ها جنبه نمایشی و ظاهری پیدا کرد (رامبد: ۱۹۸۳، ۷۴۶)؛ دوم، فشار زیادی بر نسلی از جامعه ایران آورد که خارج از ظرفیت و توان آنها بود (ابتهاج: ۱۳۷۱، ۴۳۳) و سوم، دستاویزی برای تمرکز قدرت در دست شاه شد (باهری: ۱۹۸۲، ۴۶۹). هر سه پیامد در دهه ۵۰ شمسی، صنعتی‌سازی را با چالش مواجه کرد؛ زیرا الگوی

صنعتی انتقال‌یافته از طریق این شرکت‌ها تأثیراتی بر جامعه ایران داشت که جنبه‌های منفی آن بیش از جنبه‌های مثبت آن ارزیابی می‌شود. بیشترین تأثیر منفی، رشد مصرف‌گرایی و واردات انواع کالاهایی بود که در داخل تولید می‌شد و تولیدات داخلی را به خطر می‌انداخت (قدسی‌زاد، ۱۳۸۸: ۹۳). با گسترش مصرف کالاهای جدید وارداتی که در جامعه پدید آمد، کسر بودجه‌ای که کشور در سال‌های قبل گرفتار آن بود و با افزایش قیمت نفت تا حدی رفع شده بود، دوباره پدیدار شد؛ به‌طوری که تراز ارزی ایران از مازاد ۱۸۷۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱، به کسری ۳۲۹۴۱۳ میلیون ریال در سال ۱۳۵۷ رسید (بانک مرکزی ایران، ترازنامه‌ها و گزارش‌های سالانه ۱۳۵۱، ۵۶؛ ۱۳۵۴، ۴۶؛ ۱۳۵۶، ۸۸؛ ۱۳۵۷، ۱۳۴-۱۳۵). علینقی عالیخانی که در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۸ وزیر اقتصاد ایران بود، در خصوص یکی از اقلام خریداری‌شده، از فرایند کارخانه خریدن یاد می‌کند و می‌گوید: «جزء چیزهایی که وارد کرده بودند، درهای بزرگ آهنی بود که در کارگاه را می‌بست... از پیش پا افتاده‌ترین چیزهایی که در خیلی از روستاها می‌توانستند آن را بسازند» (عالیخانی: ۱۳۸۵، ۵۶).

از طرفی، وابستگی به درآمد نفت در طولانی‌مدت باعث شکنندگی صنعت ایران شد و پروژه‌های صنعتی کشور را در معرض نوسانات قیمت در بازار جهانی قرار داد. در دهه ۵۰ شمسی، سرمایه‌گذاری صنعتی دولتی و خصوصی از ۳۰۲ میلیارد ریال در برنامه چهارم، به ۷۸۰ میلیارد ریال در برنامه پنجم رسید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۵ اسفند ۱۳۵۳، جلسه ۲۱۶). به تبع آن، ارزش افزوده بسیاری از رشته‌های صنعتی افزایش یافت؛ اما به‌طور کلی، درصد رشد ارزش افزوده از ابتدا تا انتهای برنامه پنجم با نوسان شدید همراه بود؛ برای مثال، رشد ارزش افزوده ناخالص از ۳۴/۸ درصد در سال ۱۳۵۲، به ۱۹/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ و سپس به ۲۵/۳ درصد در سال ۱۳۵۶ نوسان داشت؛ همچنین درصد رشد ارزش تولید این بخش از ۳۱ درصد در سال ۱۳۵۲، به ۱۷/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ و به ۲۵/۳ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید (سوداگر: ۱۳۷۸، ۱۱۷).

صنعتی‌سازی آمرانه بدون برنامه و غیر علمی، هم‌زمان با اثرپذیری از نوسانات بازار جهانی، روند تولید محصولات صنعتی در دهه ۵۰ شمسی را با چالش‌های فراوان، ازجمله بالا رفتن قیمت مواد اولیه وارداتی، کمبود کارگر ماهر و ورود کارگران خارجی، افزایش قیمت تمام‌شده تولیدات صنعتی در داخل، نارضایتی بخش خصوصی و اصناف صنعتی و آشفتگی در بازار

داخلی، مواجه کرد (موتمنی: ۱۹۸۶، نوار ۱). بروز نشانه‌های بارزی همچون ناتوانی در کنترل بازار مصرف و مدیریت منابع مالی صنایع و کارخانه‌ها و در پی آن، اثرات جانبی گسترده بر وضعیت معیشت کارگران شاغل در بخش صنعت و افزایش نارضایتی آن‌ها (آبادیان: ۱۹۸۵، نوار ۱)، حکایت از کشیده شدن دامنه آشفتگی صنعتی‌سازی کشور از سطوح مدیریتی به بخش‌های پایین‌تر و در پی آن، افول طرح‌های صنعتی در سال‌های پایانی حکومت پهلوی داشت. غلامرضا مقدم، قائم مقام سازمان برنامه و بودجه، گفته است: «شاه در اثر اتخاذ سیاست‌های غلط و تأکید بر افزایش هزینه‌های نظامی و طرح‌های بیهوده، نمایشی و غیر تولیدی، انضباط مالی و فکری سازمان برنامه و سرانجام کشور را دچار اختلال کرد» (مقدم، ۱۹۸۳: ۱۹۳-۱۹۴).

از طرفی دیگر، مسئله گسترش مالکیت صنعتی و واگذاری سهام کارخانه‌ها به کارگران نیز برنامه صنعتی‌سازی را به سمت نتایج خارج از ذهن و محاسبات حکومت سوق داد و زمینه خروج سرمایه صاحبان صنایع را از ایران فراهم کرد. مجیدی، رئیس سازمان برنامه، در این خصوص می‌گوید: «وقتی صاحب صنعتی مجبور شود ۴۰ تا ۵۰ درصد سهام خود را به دولت بفروشد و پولش را نقد بگیرد، با پول گرفته‌شده از دولت چه کاری انجام دهد؟ اگر دوباره سرمایه‌گذاری کند، دو مرتبه همین گرفتاری را خواهد داشت. خوب آن را از کشور بیرون می‌برد» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۶ و ۱۲۰). در واقع، تقسیم سهام به کارگران در کشوری که هنوز صنعتی وجود نداشت و پا نگرفته بود، آنقدر مهم نبود که تمام کارگران مالک کارخانه‌ها شوند (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱: ۲۴۱). این ایده بیشتر ناشی از دغدغه کسب محبوبیت و مقبولیت در فضای عمومی ایران برای محمدرضا شاه بود. نگرانی از نفوذ اندیشه‌های چپ میان کارگران وجود داشت؛ اما محبوبیت و مقبولیت شاه امکان اقدام چپ‌گرایان و ایجاد تحریکات صنفی را میان کارگران کاهش داده و یا خنثی می‌کرد (آموزگار، ۱۳۷۶: ۳۵۶).

در واقع، حذف مدیران صنعتی و اجرای دستوری و بدون برنامه حکومت، منجر به ایجاد صنایع سرمایه‌بر، ناکارآمد و مونتاژ خارجی‌ان و غفلت از اشتغال‌زایی برای نیروی کار داخلی و توزیع ناعادلانه درآمد در فرایند صنعتی‌سازی شده بود و وضعیت اقتصادی ایران به گونه‌ای نبود که بتواند حتی در برابر واردات روزافزون، صادراتی متوازن داشته باشد (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۳: ۵۶؛ کارشناس، ۱۳۸۲: ۲۸۳-۲۸۵)؛ به طوری که میزان واردات ایران از ۱۷۹۹۰۰ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱، به ۹۸۸۶۸۰ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت (ترازنامه و

گزارش‌های سالیانه بانک مرکزی، ۱۳۵۶، ۲۴۸) و ناکامی در توسعه صنعتی تا حدی پیش رفت که سهم کالای صنعتی در صادرات از ۸۵۲۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱، به ۱۰۱۴۳ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت و در همین بازه زمانی، میزان صادرات غیر نفتی ایران شامل محصولات کشاورزی سستی و کالای صنعتی جدید از ۳۰۷۸۶ میلیون ریال در سال ۱۳۵۱، به ۳۶۶۲۴ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ رسید و در واقع، رشد چندانی نیافت (بانک مرکزی، ترازنامه و گزارش‌های سالیانه ۱۳۵۶، ۲۴۱).

۴. تحلیل کنش‌های راهبردی پهلوی دوم در صنعتی‌سازی

با توجه به راهبرد حکومت در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در فرایند صنعتی‌سازی، با دو نوع کنش راهبردی مواجه هستیم. از آنجایی که کنش راهبردی در راستای پیشبرد منافع و در مسیر نیل به اهداف به دو صورت آشکار و پنهان ظهور می‌کند، در فرایند صنعتی‌سازی، هر دو کنش راهبردی پنهان و آشکار حکومت بروز یافته است. در وضعیت کنش‌های راهبردی پنهان، یکی از طرف‌ها با سمتگیری به سوی موفقیت عمل می‌کند؛ اما طرف‌های دیگر را در این باور نگه می‌دارد که با تمام پیش‌فرض‌ها در کنش ارتباطی همراهی دارد؛ اما تنها در ظاهر به کنش ارتباطی معطوف است؛ بنابراین، کنش راهبردی پنهان بسیار پیچیده است و ممکن است طرفینی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، مخالفت نکنند و یا حتی همراهی نیز داشته باشند؛ به بیان دقیق‌تر، یکی از طرفین در قالب‌های بسیار پیچیده و پنهانی سعی در کسب موفقیت دارد و تلاش می‌کند طرفین مقابل را درمورد برقراری کنش ارتباطی دو سویه دچار فریب کند (هابرماس: ۱۳۸۴، ۴۴۴). بر همین اساس می‌توان گفت فریب از مشخصه‌های اصلی کنش راهبردی پنهان است. کنش راهبردی پنهان پهلوی دوم در دهه ۴۰ شمسی حمایت از صنعتی‌سازی و دانش فنی مدیران تکنوکرات برای ایجاد بنیان صنعتی در کشور بود و با شکل‌گیری بنیان صنعتی کشور در دهه ۵۰ شمسی حذف این مدیران در دستور کار قرار گرفت. از طرفی، شاه به فریب مردم و نمایشی از صنعتی‌سازی ایران دست زد؛ اما مردم از حکومت چیز دیگری می‌خواستند. مجیدی، رئیس سازمان برنامه در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۵۶، در خصوص تضاد این رویکرد با احتیاجات و انتظارات مردم و ناموفقی حکومت در جلب نظر مردم و کسب رأی آنان می‌گوید: «اگر دولت می‌خواست روی توده‌های مردم تکیه بکند، می‌بایست مطابق میل آن‌ها

حرف می زد و احتیاجاتشان را برآورده می کرد، در حالی که احتیاجات آن ها و انتظاراتشان کاملاً در تضاد فاحشی بود با خطوط اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی و الزام به ساختن زیربنای جدید. به همین دلیل، برای جلب نظر مردم و کسب رأی آنان بیشتر می بایست از جاه طلبی های اقتصادی و تغییرات مادی صرف نظر می شد. اولویت به ساختن زیربنای اقتصادی و نادیده گرفتن خواست عمومی، دموکراسی نیم بندی ایجاد کرد و بین دید دولت و مردم تفاوت فاحشی پیدا شد؛ یعنی سیاست دولت این بود که ظاهر این ساختمان قابل قبول باشد، در حالی که مردم همه چیز را از دولت می خواستند و بیشتر تقاضاهایشان ساخت درمانگاه و مدرسه، آب لوله کشی و برق بود. تضاد ایجاد شده با افزایش درآمد نفت بیشتر شد؛ چون مردم نتیجه فوری و روزمره را خواستار بودند. فقدان ارتباط بین دولت و مردم و دیدگاه دولت برای انجام کارهای زیربنایی و برخورد این نظر با فکر مردم عواقبی داشت که در سال های آتی خود را نشان داد» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۴۹-۵۲). ایجاد و تقویت بنیادهای خیریه نظیر بنیاد پهلوی و حمایت از وابستگان به دربار و دخالت در توسعه صنعتی از طریق این بنیاد و اطرافیان شاه، اقدامات و ابتکارات پنهان پهلوی دوم در پروژه صنعتی سازی کشور بود؛ به طوری که در سال ۱۳۵۶، بنیاد پهلوی در ۲۰۷ مؤسسه صنعتی و زراعی، از جمله ۸ مزرعه، ۱۰ کارخانه سیمان، ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۳ هتل، ۲۵ شرکت فلزکاری، ۲۵ شرکت کشت و صنعت و ۴۵ شرکت ساختمانی و ۱۷ شرکت صنایع غذایی و ده ها شرکت بازرگانی، سرمایه گذاری کرده بود (ازغندی، ۱۳۸۷: ۲۴۱-۲۴۲).

در کنش راهبردی آشکار نیز عملکرد یکی از طرفین در نادیده گرفتن پیش فرض های کنش ارتباطی به صورت مشخص و آشکارا پیگیری می شود. در این شرایط، کنشگر با بهره گیری از برتری ابزاری، اقداماتی در راستای رسیدن به موفقیت انجام می دهد. ویژگی اصلی کنش راهبردی آشکار، توازن نداشتن در جایگاه و ابزارهای در دسترس در کنش متقابل میان طرفین است (هابرماس: ۱۳۸۴، ۴۴۵)؛ نظیر اجرای اصلاحات ارضی بدون هماهنگی با سازمان برنامه (مجیدی، ۱۳۸۱: ۳۵۱) به عنوان پیش زمینه صنعتی سازی و تأمین نیروی کار ارزان این صنایع، رونمایی از انقلاب سفید و اصول آن، نظیر سهم شدن کارگران در سود کارخانه (فرمانفرمائی، ۱۳۸۱: ۲۴۱؛ مجیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۶ و ۱۲۰)، رونق اقتصاد مصرفی در جامعه به واسطه درآمدهای نفتی (مراسان، ش. بازیابی ۴۸۸۴۵، سند ۱۷۷)، بی توجهی به برنامه پنجم تنظیم شده سازمان برنامه از همان ابتدا (گودرزی، فرمانفرمائی و مجیدی: ۱۳۸۱، ۲۷۵-

(۴۱۷) و در ادامه، تجدید نظر در آن (مراسان، ش. بازیابی ۳۹۳۵۴، سند ۳) و اجرای طرح‌های سرمایه‌بر و بزرگ بدون پشتوانه بومی و مونتاژ و رونق اقتصاد مصرفی، وجه بارز کنش راهبردی آشکار حکومت بود؛ زیرا حکومت پهلوی فاقد پایگاه مردمی بود و خود را از مردم و با مردم نمی‌دانست. این جدایی از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شروع شده بود (منتظرالقائم و همکاران: ۱۳۹۸، ۱۱۲). در این جدایی، شاه و اطرافیانش مؤثر بودند (فروغی: ۱۹۸۲، ۲۵۱) و با حضور بهائیان در پست‌های مهم، این فرایند تقویت شد (آقایان: ۱۹۸۶، ۳۳). محمود فروغی در خصوص کسب محبوبیت و مقبولیت مردمی شاه می‌گوید: «... در اوایل سلطنت اعلی‌حضرت، موقعی که مرحوم فروغی وزیر دربار بود، مرتب تکیه‌کلامش به اعلی‌حضرت این بود که اعلی‌حضرت پایه‌های تخت سلطنت شما در قلب مردم باید باشد، نه به روی ارتشتان و نظامی‌ها. آن فایده ندارد. به نتیجه نمی‌رسد» (فروغی: ۱۹۸۲، ۲۵۰). تبعیض و تضاد طبقاتی و اعتنا نکردن به مردم و افکار عمومی (اقبال: ۱۹۸۵، ۳۸۴؛ محوی: بی‌تا، ۳۷۰)، مردم را از حکومت جدا کرده بود؛ به‌گونه‌ای که حکومت ناچار می‌شد برای برگزاری برنامه‌های عمومی از نظامی‌هایی که لباس غیر نظامی می‌پوشیدند استفاده کند و نمایشی تصنعی از مقبولیت مردمی خود به نمایش بگذارد (رمزی عطائی: ۱۹۸۵، ۲۱۱). شاه نیز جدایی از مردم را ناشی از سنن کهن باستانی و عزلت و تنهایی شاهان می‌دانست (پهلوی، ۱۳۳۹: ۶۷)؛ اما این توجیهی مناسب برای انفعال شاه و سعی وی در کسب مقبولیت عمومی پس از کودتای ۱۳۳۲ نبود. شاه بر توسعه صنعتی دستوری و غیر علمی با قصد سیاسی تأکید داشت و از عواقب نامتوازن بودن آن غفلت کرد. مجیدی در این خصوص می‌گوید: «فکر می‌کردم لازم است در موقعی که دارد مملکت این تحول صنعتی شدن را پیدا می‌کند، موازی آن بایستی حتماً تحولاتی اجتماعی باشد و الا آن تعادل که بایستی در جامعه ایجاد شود، به وجود نخواهد آمد و از پولی که به‌عنوان درآمد نفت می‌آمد، سرمایه‌گذاری‌هایی بکنیم که از محل عایدی‌اش در آینده بتوانیم توسعه‌ای مستمر مداومی داشته باشیم» (مجیدی: ۱۹۸۵، ۲۴۵-۲۶۵). در بحث توسعه صنعتی، در واقع تلاش مدیران تکنوکرات و برنامه‌ریزان اقتصادی توسعه صنعتی پایدار بود؛ اما به علت هدف سیاسی حکومت در قالب کنش راهبردی پنهان در کسب مقبولیت عمومی، با همسویی موقتی شاه با این مدیران همراه شد و توسعه صنعتی پایدار را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

۵. نتیجه گیری

از دهه ۴۰ شمسی، پروژه صنعتی سازی به عنوان نماد نوسازی و تحول در ساختار اقتصادی کشور طراحی و اجرا شد که با مداخله گری و تصدی گسترده حکومت در توسعه صنعتی همراه شد. راهبرد پنهان حکومت، همراهی با مدیران صنعتی در دهه ۴۰ شمسی در ایجاد و شکوفایی اولیه صنایع بود. راهبرد آشکار حکومت، استفاده ابزاری از قدرت در دهه ۵۰ شمسی، حذف مدیران و برنامه ریزان اقتصادی و صنعتی و تأکید بر اجرای پروژه های صنعتی بزرگ بود. حکومت هم زمان به تقویت بنیادهای خیریه ای وابسته به دربار، نظیر بنیاد پهلوی در عرصه صنعتی سازی و انحصارگرایی توسط وابستگان خود پرداخت و حوزه نفوذ خود را در صنعت و کل اقتصاد ایران گسترده تر کرد. این امر به تضعیف بخش خصوصی و حمایت نکردن از صنایع نوپا منجر شد. شرایط ایجاد شده اجازه شکل گیری توسعه پایدار و منسجم را نداد. حکومت پهلوی دوم را باید بازیگری در نظر گرفت که می توانست منافع خود را پیگیری کند؛ منافعی که ممکن بود در تضاد با منافع دیگر گروه ها و طبقات اجتماعی باشد. بر این اساس، توسعه صنعتی برای برآورده ساختن منافع خاص و ویژه حکومت بود و این امر بدین علت امکان یافت که حکومت ایران مقادیر عظیم درآمد نفت و وام خارجی در اختیار داشت. توسعه صنعتی ایران از اهداف ظاهری حکومت پهلوی دوم بود؛ اما هدف اصلی شاه از طریق صنعتی کردن کشور، کسب مقبولیت مردمی بود و همین نیت موجب شد تا حکومت پهلوی دوم از صنعتی سازی هدفمند و پایدار فاصله بگیرد. اجرای صنعتی سازی غیر علمی، بدون برنامه و دستوری، منجر به رانت خواری و انحصارگرایی در صنعت، تنگ شدن حلقه مشارکت بخش خصوصی و دخالت گسترده حکومت در صنعت و اقتصاد ایران شد و توسعه صنعتی پایدار را تحت الشعاع خود قرار داد.

کتاب‌نامه

اسناد

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)
- (ش. بازپایی ۳۹۳۵۴، سند ۶۹)؛ (ش. بازپایی ۳۸۸۰۵، سند ۹۹)؛ (ش. بازپایی ۳۹۳۵۴، سند ۷۰)؛ (ش. بازپایی ۳۸۰۵، سند ۹۰)؛ (مراسان، ش. بازپایی ۴۸۸۴۵، سند ۱۷۷).

فارسی

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل‌محمدی. تهران: نشر نی.
- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۶). فراز و فرود دودمان پهلوی. ترجمه اردشیر لطفعلیان. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، چاپ پنجم. تهران: سمت.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). خاطرات ابوالحسن ابتهاج. جلد اول و دوم. چاپ اول. به کوشش علیرضا عروزی. تهران: علمی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۵). خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت. گفت‌وگو با غلامرضا نجاتی. ج ۱. تهران: رسا.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۲). پاسخ به تاریخ. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: مترجم.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۳۹). مأموریت برای وطنم. چاپ اول. چاپخانه ارتش.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران. چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۷۸). رشد روابط سرمایه‌داری در ایران. تهران: فرزین.
- فرمانفرمائی‌ان، خداداد؛ مجیدی، عبدالمجید و گودرزی، منوچهر (۱۳۸۱). توسعه در ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷. ویراستار: غلامرضا افخمی. تهران: گام نو.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱). خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر، مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶). ویراستار: حبیب‌لاجوردی. تهران: گام نو.
- قدسی‌زاد، پروین و همکاران (۱۳۸۸). پهلوی‌ها. چاپ اول، تهران: نشر کتاب مرجع.

- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲). نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران. ترجمه یوسف حاجی عبدالوهاب و علی اصغر سعیدی. تهران: گام نو.
- گازیوروسکی، مارک ج (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، بنای دولتی دست‌نشانده در ایران. ترجمه: فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
- عالیخانی، علینقی (۱۳۸۴). سیاست و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۵۰. تهران: آبی.
- عالیخانی، علینقی (۱۳۹۳). اقتصاد و امنیت؛ مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر. به کوشش حسین دهباشی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- عالیخانی، علینقی (پاییز ۱۴۰۱). خاطرات دکتر علینقی عالیخانی (وزیر اقتصاد ۱۳۴۱-۱۳۴۸). تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران. نشر الکترونیکی: کتابخانه دیجیتال پرشین پی‌دی‌اف.
- عالیخانی، علینقی (۱۳۸۵). خاطرات دکتر علینقی عالیخانی، چاپ سوم، تهران، نشر آبی.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۳). دولت پهلوی و توسعه اقتصادی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علم، اسدالله (۱۳۷۳). گفت‌وگوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم). جلد دوم. تهران: طرح نو.
- علم، اسدالله (۱۳۹۰). یادداشت‌های علم. جلد سوم (۱۳۵۲). چاپ سوم. ویرایش علینقی عالیخانی. تهران: کتابسرا.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۸۷). یادداشت‌های روزانه علم، ج ۲، تهران: مازیار.
- میلانی، عباس (۱۳۹۲). نگاهی به شاه. کانادا: پرشین سیرکل.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱). خاطرات عبدالمجید مجیدی. ویراستار: حبیب لاجوردی. تهران: گام.
- نیازمند، رضا (۱۳۹۴). تکنوکراسی و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران به روایت رضا نیازمند. به کوشش علی اصغر سعیدی. تهران: لوح فکر.
- همدی، خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۴). فساد مالی: علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). ایران: دیکتاتوری و توسعه. چاپ اول. ترجمه‌علی طلوع و محسن یلفانی. تهران: انتشارات علم.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

مقالات

- دادگر، حسن (۱۳۸۲). «فساد مالی در تاریخ معاصر ایران»، ماهنامه زمانه، شماره ۹، صص ۱۳-۱۹.
- سلیمان دارابی، حجت (خرداد ۱۳۸۴). «انقلاب اسلامی برای ایران چه کرد؟»، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۴. صص ۲۰۴-۲۵۹.
- منتظرالقائم، علی‌اصغر و همکاران (بهار ۱۳۹۸). «بررسی علل و عوامل وقوع انقلاب اسلامی در ایران از منظر کارگزاران حکومت پهلوی دوم». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی. سال نهم. شماره ۳۰. صص ۹۷-۱۲۹.
- «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی». مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۵ اسفند ۱۳۵۳، جلسه ۲۱۶.

روزنامه و مجلات

- مجله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران (دی ۱۳۵۱). سال سوم. شماره ۳۲.

ترازنامه بانک مرکزی ایران

- بانک مرکزی. ترازنامه و گزارش‌های سالیانه ایران ۱۳۵۰.
- بانک مرکزی. ترازنامه و گزارش‌های سالیانه ایران ۱۳۵۳.
- بانک مرکزی. ترازنامه و گزارش‌های سالیانه ایران ۱۳۵۴.
- بانک مرکزی. ترازنامه و گزارش‌های سالیانه ایران ۱۳۵۷.
- مصاحبه‌ها (طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد)
- آبادیان، بهمن (۱۹۸۵). مصاحبه با بهمن آبادیان. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱.
- آبادیان، بهمن (۱۹۸۵). مصاحبه ضیاء صدقی با بهمن آبادیان (ژوئیه ۱۹۸۵). طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد. نوار ۱.
- آقایان، فلیکس (۱۹۸۶). مصاحبه با فلیکس آقایان. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱.
- اقبال، خسرو (۱۹۸۵). مصاحبه با خسرو اقبال. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۲.
- باهری، محمد (۱۹۸۴). مصاحبه با محمد باهری. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۶.
- رمزی عطایی، عباس (۱۹۸۵). مصاحبه با عباس رمزی عطایی. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۱.
- رامبد، هلاکو (۱۹۸۳). مصاحبه با هلاکو رامبد. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۰.

- فروغی، محمود (۱۹۸۲). مصاحبه محمود فروغی. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۳.
- محوی، ابوالفتح (بی تا). مصاحبه با ابوالفتح محوی. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۶.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۹۸۵). مصاحبه با عبدالمجید مجیدی. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۶.
- مقدم، غلامرضا (۱۹۸۳). مصاحبه با غلامرضا مقدم. تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. جلد ۱۷.
- مومنی، مهدی (آوریل ۱۹۸۶). مصاحبه حبیب لاجوردی با مهدی مومنی، تاریخ شفاهی ایران. دانشگاه هاروارد. نوار شماره ۱.

Bibliography

Persian Books

- Islamic Revolution Documents Center (Morasan)
- (Retrieved 39354, Document 69; (Retrieved 38805, Document 99);
- (Retrieved 39354, Document 70); (Retrieved 3805, Document 90);
- (Retrieved 48845, Document 177),

Persian

- Azghandi, Alireza (1997). The Inefficiency of Iran's Political Elites Between the Two Revolutions, Tehran: Qoms.
- Azghandi, Alireza (1998). History of Political and Social Developments in Iran (1977-1979), 5th edition. Tehran: Samt.
- Abrahamian, Yervand (1998). Iran Between the Two Revolutions. Translated by Ahmad Golmohammadi. Tehran: Nashrani.
- Ebtehaj, Abolhasan (1992). Memoirs of Abolhasan Ebtehaj. Volumes 1 and 2. First edition. Edited by Alireza Arozodi. Tehran: Elami.
- Amuzgar, Jahangir (1997). The Rise and Fall of the Pahlavi Dynasty. Translated by Ardeshtir Lotfalian. Tehran: Book Translation and Publishing Center.
- Bazargan, Mehdi (1996). Memoirs of Bazargan: Sixty Years of Service and Resistance. Conversation with Gholamreza Nejati. Vol. 1. Tehran: Rasa.
- Pahlavi, Mohammad Reza (1993). Response to History. Translated by Hossein Abu Torabian. Tehran: Translator.

- Pahlavi, Mohammad Reza (1950). Mission for my homeland. First edition. Army Printing House.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad (2009). Government, Oil and Economic Development in Iran. Second edition, Tehran: Islamic Revolution Documents Center.
- Soudagar, Mohammad Reza (1999). Growth of Capitalist Relations in Iran. Tehran: Farzin.
- Farmanfarmaian, Khodadad; Majidi, Abdol Majid and Goudarzi, Manouchehr (2002). Development in Iran 1948-1978. Editor: Gholam Reza Afkhami. Tehran: Gam No.
- Majidi, Abdol Majid (2002). Memoirs of Abdol Majid Majidi, Minister of State and Head of the Planning and Budget Organization (1972-1977). Editor: Habib Lajavardi. Tehran: Gam No.
- Ghodsizad, Parvin et al. (2009). The Pahlavis. First edition, Tehran: Reference Book Publishing House.
- Expert, Masoud (2003). Oil, State and Industrialization in Iran. Translated by Yousef Haji Abdolvahab and Ali Asghar Saeedi. Tehran: Gam No.
- Gaziorowski, Mark J. (1992). American Foreign Policy and the Construction of a Puppet State in Iran. Translated by Fereydoun Fatemi. Tehran: Markaz Publishing House.
- Alikhani, Alinaghi (2005). Economic Politics and Policymaking in Iran 1961-1965. Tehran: Abi.
- Alikhani, Alinaghi (2014). Economy and Security. Oral and Visual History Collection of Contemporary Iran. By Hossein Dehbashi. Tehran: National Library and Documentation Organization of Iran.
- Alikhani, Alinaghi (Fall 1401). Memoirs of Dr. Alinaghi Alikhani (Minister of Economy 1961-1969). Oral History of the Iranian Studies Foundation. Electronic Publication: Persian Digital Library PDF.
- Alikhani, Alinaghi (2006). Dr. Alinaghi Alikhani's Memoirs, Third Edition, Tehran, Abi Publishing House.
- Abbasi, Ebrahim (2004). The Pahlavi State and Economic Development. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center.
- Alam, Asadollah (1994). My Conversations with the Shah. (Secret Memoirs of Amir Asadollah Alam). Volume 2. Tehran: Tarh-e-No.
- Alam, Asadollah (2011). Alam's Notes. Volume 3 (1973). Third Edition. Edited by Alinaghi Alikhani. Tehran: Ketabsara.

- Alam, Amir Asadollah (2008). Alam's Daily Notes, Volume 2, Tehran: Maziar.
- Milani, Abbas (2013). A Look at the Shah. Canada: Persian Circle.
- Majidi, Abdul Majid (2002). Memoirs of Abdul Majid Majidi. Editor: Habib Lajvardi. Tehran: Gam-e-No.
- Niyazman, Reza (2015). Technocracy and Economic Policymaking in Iran as Narrated by Reza Niyazmad. With the Effort of Ali Asghar Saeedi. Tehran: Lawh Feker.
- Hamdami Khutbe Sara, Abolfazl (2005). Financial Corruption: Causes, Backgrounds and Strategies to Combat It. Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Halliday, Fard (1979). Iran: Dictatorship and Development. First Edition. Translated by Ali Tolo and Mohsen Yalfani. Tehran: Alam Publications.
- Habermas, Jurgen (2005). Theory of Communicative Action. Translated by Kamal Poladi. Tehran: Iran Newspaper Publishing House.

Articles

- Jahanbakhsh, Mustafa (Spring and Summer 1404). Strategic Action of the Second Pahlavi to Weaken the Position of the National Consultative Assembly. Two Quarterly Scientific-Research Journals of Political Science, Year 21, Issue 1 (Continuous 41), pp. 49-74.
- Dadgar, Hassan (2003). "Financial Corruption in Contemporary History of Iran", Zamaneh Monthly, No. 9, pp. 13-19.
- Soleiman Darabi, Hojjat (June 2005). "What Did the Islamic Revolution Do for Iran?", Quarterly, June 15, No. 4, pp. 204-259.
- Montazer al-Qaem, Ali Asghar et al. (Spring 2019). A Study of the Causes and Factors of the Islamic Revolution in Iran from the Perspective of the Agents of the Second Pahlavi Government. Scientific-Research Quarterly Journal of Islamic Revolution Research. Year 9. No. 30. pp. 97-129.
- Islamic Consultative Assembly Research Center. Fifth Development Plan (Revised) March 14, 1974.

Newspapers and Magazines

- Journal of the Chamber of Commerce, Industries and Mines of Iran (January 1972). Year 3. No. 32.

Balance Sheet of the Central Bank of Iran

- Central Bank. Balance Sheet and Annual Reports of Iran 1971.
- Central Bank. Balance Sheet and Annual Reports of Iran 1353.
- Central Bank. Balance Sheet and Annual Reports of Iran 1354.

- Central Bank. Balance Sheet and Annual Reports of Iran 1357.
- Interviews (Harvard University Oral History Project)
- Abadian, Bahman (1985). Interview with Bahman Abadian. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 1.
- Abadian, Bahman (1985). Interview with Zia Sedghi with Bahman Abadian (July 1985). Oral History of Iran. Harvard University. Tape 1.
- Aghayan, Felix (1986). Interview with Felix Aghayan. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 1
- Iqbal, Khosrow (1985). Interview with Khosrow Iqbal. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 2.
- Bahri, Mohammad (1984). Interview with Mohammad Bahri. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 6.
- Ramzi Ataei, Abbas (1985). Interview with Abbas Ramzi Ataei. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 11.
- Rambod, Holako (1983). Interview with Holako Rambod. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 10.
- Foroughi, Mahmoud (1982). Interview with Mahmoud Foroughi. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 13.
- Mahavi, Abolfateh (unpublished). Interview with Abolfateh Mahavi. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 16.
- Majidi, Abdulmajid (1985). Interview with Abdulmajid Majidi. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 16.
- Harvard University Oral History Project. Habib Lajavardi Interview with Abdulmajid Majidi (October 1985). Tapes 5 and 7.
- Moghadam, Gholamreza (1983). Interview with Gholamreza Moghadam. Oral History of Iran. Harvard University. Volume 17.
- Harvard University Oral History Project. Interview with Habib Lajevardi and Mehdi Motmani (April 1986). Tape 1.